

رؤیاهایت را می‌بوسم

یک داستان نامتعارف

نازنین قنبری



آثار ادبی و فرهنگی

سرشناسه:	قنبری، نازنین، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور:	رؤیاهایت را می‌بوسم (یک داستان نامتعارف) / نازنین قنبری.
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۱۴۲ ص.
شابک:	978-964-191-466-2
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا
موضوع:	داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع:	Persian fiction - 20 th century
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ ر ۲۷۳٫۹ / ۸۱۸۰ PIR
رده‌بندی دیویی:	۸۶۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی:	۴۳۹۶۱۲۵



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، رویترز دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۰۲۷ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.com



رؤیاهایت را می‌بوسم

(یک داستان نامتعارف)

نازنین قنبری

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول بهار ۱۳۹۶

چاپخانه: کتاب شمس

تیراژ ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۶۶-۲ ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۶۶-۲ ISBN: 978-964-191-466-2

۱۳۰۰۰۰ ریال

پیش‌گفتار

این داستان برداشتی از مجموعه یادداشت‌های روزنوشتی است که در طول هشت سال تقریباً بدون وقفه نوشته شده. لحظه لحظه‌ای یک ارتباط پرشور را ثبت کرده است. تبدیل هزاران صفحه یادداشت به یک رمان واقع‌گرا، لااقل برای نویسنده، امری محال و پروسه‌ای ناممکن جلوه می‌کرد و به همین دلیل مجموعه‌ی یادداشت‌ها را مبنای طراحی داستانی قرار داد که مرز و محدوده‌هایش در بسیاری از نقطه‌های مسیر، با آنچه واقعاً اتفاق افتاده منطبق نیست، اما چیزی از گذشته در خود دارد که دقیقاً به اندازه‌ی در زندگی واقعی و ملموس است. طراحی داستان با این ملاحظه انجام شده که حریر شخصی، الزام‌های اخلاقی شخصیت‌های واقعی درگیر در ماجراها مخدوش نشود و ضمن روح و قیام به‌تمامی به خواننده منتقل شود؛ چیزی بین واقعیت دستکاری‌شده و روایت سر بسته...

برای حفظ جنبه‌های روزنگارانه‌ی یادداشت‌ها ترجیح داده شد که قصه با لحنی صمیمی و ساده و بدون تمهیدهای ادبی روایت شود و حال‌وهوایی شخصی و امروزی داشته باشد. طبیعتاً خوانشی دیگر می‌تواند لحن و رویکردی دیگرگون را ضروری کند. بخش مهمی از یادداشت‌هایی که پشتوانه‌ی دراماتیک این داستان‌اند (و نگارش‌شان همچنان ادامه دارد) ممکن است در آینده دستمایه‌ی

نگارش داستان‌هایی دیگر یا تکمله‌هایی احتمالی بر همین داستان قرار بگیرند. ولی فارغ از سرنوشت یادداشت‌ها، رؤیاهایت را می‌بوسم را می‌توان رمانی مستقل و کامل در نظر گرفت که تکه‌ای از یک زندگی پرفرازونشیب را با لحنی ساده به تصویر می‌کشد. کل این کتاب محملی برای ثبت و انتقال نگاه نوستالژیک نویسنده به گذشته‌ای است که اکنون بس دور از ذهن و رؤیاگونه به نظر می‌رسد، اما دست‌کم و نفوذ در این دنیای بزرگ اطمینان دارند که هر واژه و هر جمله‌ای از این داستان، تا سز استخوان واقعی است. دو نفر که زمانی یک نفر بودند و حالا چهار نفر شدند